

2. بهار روزنامه‌نگار

با بلند شدن لَوای انقلاب در کشور، موج قانون‌خواهی و آزادی‌خواهی در ایالت خراسان نیز به راه افتاد و بهار بیست‌ساله با آنکه از راه مستمری دولت امرار معاش می‌کرد، در شمار مشروطه‌طلبان آن دیار درآمد و به نگارش شعرها و مطالبی برای روزنامه «خراسان» با امضای «رئیس‌الطلاب» پرداخت. او پس از پیروزی مشروطه نیز به شعرگویی در این زمینه ادامه داد و در دوره استبداد صغیر، با سرایش شعرهایی چون «کار ایران با خداست» درباره محمدعلی‌شاه، با عوامل استبداد مبارزه کرد. هنگام فتح تهران نیز شعرهای ملک‌الشعرا گرمی‌بخش جشنهای برپاشده به مناسب این پیروزی بود.²

در دوره مشروطه دوم، محمدتقی بهار فعالیت خود را از حوزه شعر به حوزه نثر نیز گسترش داد و مقالاتی در این باره در روزنامه‌های حبل‌المتین و طوس منتشر کرد. او در سال 1328ق، به انتشار روزنامه‌ای به نام «نوبهار»، که ناشر افکار حزب دموکرات ایران بود، در خراسان همت گمارد. مطالب روزنامه نوبهار نوک پیکان حمله را به سمت روسها و مداخلات آنها در ایران گرفته بود؛ از همین رو از مزاحمت‌های قوای این کشور در ایران در امان نماند و در نهایت به امر آنها توقیف شد، اما بهار از تلاش در این عرصه باز نایستاد و به انتشار روزنامه «تازه بهار» دست زد، اما این روزنامه نیز به دلیل انتشار مطالبی با همان رویکرد، فرجامی مانند نوبهار یافت و در محرم 1330ق (دی 1290ش) توقیف و محمدتقی نیز بازداشت و به تهران فرستاده شد.

پس از پایان یافتن مدت تبعید در تهران و بازگشت ملک‌الشعرا به خراسان (اواخر سال 1330ق)، انتشار نوبهار از سر گرفته شد، اما این بار نیز بر اثر فشار قونسول روس و انگلیس توقیف شد. در این هنگام، بهار که افزون بر روزنامه‌نگاری، وکالت مجلس شورای ملی را نیز عهده‌دار بود، به تهران رفت و انتشار نوبهار را در آنجا پی گرفت، اما مداخلات قوای روس به توقیف آن در چهارم محرم 1334ق (بیستم آبان 1294ش) منتهی شد. 3. نوبهار بار دیگر، آن هم در زمانه‌ای که قوای روس با انقلاب داخلی مواجه بودند، فرصت انتشار یافت (1335ق)، اما در پی چاپ اشعاری از بهار با عنوان «از آثار قدما» در انتقاد از احمدشاه (در سیزدهم شوال 1335ق/ یازدهم مرداد 1296ش) تعطیل شد. با این حال ملک‌الشعرا از تلاش دست برنداشت و به جای آن، روزنامه «زبان آزاد» را منتشر کرد، اما این به معنای خاموشی همیشگی نوبهار نبود و روند انتشار و توقیف این روزنامه همچنان ادامه یافت. براساس گفته‌های خود بهار، در دور دوم رئیس‌الوزرای وثوق‌الدوله (1297 - 1299ش)، این روزنامه به دلیل چاپ مقاله شدیدالحنی بر ضد احمدشاه، «که ناراضیان را به خلاف دولت تحریک می‌کرد» سه روز توقیف شد.⁴

افزون بر نوبهار، ملک‌الشعرا از 23 اسفند 1298 تا 3 اسفند 1299ش، مسئولیت روزنامه نیمه‌رسمی ایران را هم بر عهده داشت. او دلیل کنارگیری از مدیریت این روزنامه را رد کردن پیشنهادهای موسس کودتا، سید ضیاءالدین طباطبایی، عنوان کرده است. 5. پس از این کنارگیری، دولت به بهانه گردآمدن مخالفان در خانه ملک‌الشعرا، او را دستگیر کردند و پس از ده روز، به دزآشوب فرستادند. این تبعید تا پایان صدارت سیدضیاء و روی کار آمدن قوام‌السلطنه ادامه یافت.

فعالیت‌های محمدتقی بهار در حوزه روزنامه‌نگاری سیاسی تا سال 1304ش، یعنی بحبوحه تغییر سلطنت، ادامه یافت، اما در این اوان، شاعر مشروطه‌خواه به دلیل فضای بسته حاکم بر کشور، از روزنامه‌نگاری

دست برداشت. این وقفه تا سال 1321ش ادامه یافت. در این زمان، با ایجاد فضای باز سیاسی حاصل از خروج رضاشاه از ایران، محمدتقی احساس کرد که بار دیگر می‌تواند به عرصه روزنامه‌نگاری سیاسی بازگردد؛ از همین رو انتشار روزنامه نوبهار را از 3 اسفند 1321 آغاز کرد و چاپ آن را تا شماره 102 ادامه داد.

گفتنی است فعالیتهای ملک‌الشعرا در عرصه روزنامه‌نگاری فقط به حوزه سیاست محدود نبود و از آنجاکه در شعر و ادبیات تبحر داشت، روزنامه‌نگاری را در حوزه ادبی نیز دنبال کرد. انتشار نشریه «دانشکده» و چاپ مقالات ادبی در روزنامه «قانون» نمونه‌ای از این قبیل فعالیتهاست.6 با وجود مجاهدت بسیار در حوزه روزنامه‌نگاری، این شاعر خراسانی عمر خود را فقط به این حوزه محصور نکرد و وارد عرصه سیاست نیز شد. وکالت مجلس شورای ملی و وزارت معارف نمونه‌ای از فعالیتهای او در این عرصه است که در ادامه بیان شده است.

3. شاعر سیاست‌پیشه

با تأسیس کمیته ایالتی حزب دموکرات در سال 1328ق در خراسان، ملک‌الشعرا جوان به عضویت آن درآمد و در روزنامه نوبهار، افکار این حزب را منتشر کرد. پس از ماجرای شوستر و اولتیماتوم روس، دموکراتهای خراسان که به مخالفت با اقدامات دولت روسیه برخاسته بودند، از گزند خشم این دولت در امان نماندند و به تحریک عوامل آن، بازداشت و به تهران تبعید شدند. محمدتقی بهار نیز در میان تبعیدشدگان بود. او یک سال از عمر خود را در این شهر گذراند و پس از پایان یافتن مدت تبعید، دوباره راهی مشهد شد و کار روزنامه‌نگاری را از سر گرفت. این روند ادامه داشت تا اینکه در بحبوحه جنگ جهانی اول، انتخابات دوره سوم مجلس شورای ملی برگزار شد (سال 1293ش) و بهار به نمایندگی مردم درگز، کلات و سرخس روانه مجلس گردید. مدتی از حضور او در تهران نگذشته بود که به دلیل هجوم قوای درگیر در جنگ بین‌الملل به ایران، نمایندگان مجلس عزم مهاجرت کردند. ملک‌الشعرا نیز به دلیل تصمیم مقامات برای توقیف وی (به دلیل چاپ مقاله‌ای در نقد دولت روسیه)، راهی قم شد، اما شکستگی دست، او را از ادامه مسیر بازداشت؛ بدین ترتیب بهار دوباره به تهران بازگشت. در تهران او را بازداشت و به بنجورد تبعید کردند (اواخر جمادی‌الثانی 1334ق/ اردیبهشت 1295). او شش ماه در تبعید گذراند تا آنکه وثوق‌الدوله به صدارت رسید (1295 - 1296ش/ 1334 - 1335ق) و او را به تهران احضار کرد.

در تهران، ملک‌الشعرا با مشاهده رونق فعالیتهای حزب دموکرات، وارد این عرصه شد و در انشعاب شکل‌گرفته در این حزب، جانب شاخه دموکراتهای تشکیلی را گرفت. گفتنی است در این دوره، دو جریان در حزب دموکرات به وجود آمده بود: عده‌ای به رهبری وثوق‌الدوله، دموکراتهای تشکیلی را پدید آوردند و عده‌ای دیگر به دور سید محمد کمره‌ای جمع شدند و خود را دموکراتهای ضدتشکیلی نام نهادند.7 درگیریهای این دو شاخه در دوره دوم صدارت وثوق‌الدوله (1297 - 1299ش/ 1336 - 1338ق) ادامه یافت. در این دوره، ملک‌الشعرا، که در شاخه تشکیلیها قرار داشت، جانب وثوق‌الدوله را می‌گرفت و از ضدتشکیلیها انتقاد می‌کرد. این وضعیت تا کودتای 1299ش و قرار گرفتن سیدضیاءالدین طباطبایی بر مسند صدارت عظمایی ادامه داشت (۱۲۹۹ - 1300ش/ 1338 - 1339ق).

سرایش شعر «جمهوری‌نامه» و استعفا از نمایندگی مجلس در قضیه سیلی زدن به آیت‌الله مدرس نمونه‌هایی از مخالفت بهار با اقدامات رضاخان است. بر اثر همین اقدامات بود که هنگام تغییر سلطنت، حتی نقشه‌ای برای ترور ملک‌الشعرا کشیده شد.

با برگزاری انتخابات دوره چهارم مجلس (1300 - 1302 ش/ 1339 - 1341 ق)، ملک‌الشعرا بار دیگر به این نهاد قانون‌گذاری راه یافت. حضور او در مجلس، با انتخابات دوره پنجم (1302 - 1304 ش) و ششم (1305 - 1307 ش) تداوم یافت. در این دوره مسئله قدرتیابی رضاخان مطرح بود. محمدتقی بهار درباره رویکرد خود نسبت به این نیروی قزاق گفته است: «من در بادی امر، به این مرد فعال نزدیک بودم و نظر به آنکه تشنه حکومت مقتدر مرکزی بودم و از منفی‌بافی نیز خوشم نمی‌آمد، میل داشتم به این مرد خدمت کنم»،⁸ اما او به مرور، با مشاهده اقدامات رضاخان، به اهداف پشت پرده پی برد و در مجلس پنجم، همراه شهید مدرس به مخالفت با این قزاق برخاست.⁹ سرایش شعر «جمهوری‌نامه» و استعفا از نمایندگی مجلس در قضیه سیلی زدن به آیت‌الله مدرس (البته استعفا او پذیرفته نشد) نمونه‌هایی از مخالفت بهار با اقدامات رضاخان است.¹⁰ بر اثر همین اقدامات بود که هنگام تغییر سلطنت، حتی نقشه‌ای برای ترور ملک‌الشعرا کشیده شد، اما به اشتباه واعظ قزوینی، مدیر روزنامه «نصیحت قزوین»، هدف قرار گرفت و جان خود را از دست داد.¹¹ گفتنی است بهار با وجود مخالفت با رضاشاه، شعر «چهار خطابه» را در مدح او سروده است. البته وی در توضیح این کار، به اقدام عدلیه برای توقیف خود در فاصله بین مجلس پنجم و ششم اشاره کرده و آن را برای رهایی از این اقدام دانسته است.¹²

با توجه به سرکوبی مخالفان رضاشاه و در اقلیت قرار گرفتن آنها در مجلس، محمدتقی بهار پس از اتمام مجلس ششم از سیاست کناره گرفت؛ با این حال یکبار در سال 1308 و بار دیگر در سال 1312 حبس شد. در بار دوم کار او به تبعید به اصفهان کشیده شد. بهار برای خلاصی از تبعید، شعری در مدح رضاشاه سرود که گویا همین شعر او را از بند رهایی داد (سال 1313). این رهایی زمانی رخ داد که مخبر السلطنه هدایت از نخست‌وزیری کنار رفته و محمدعلی فروغی جای او را گرفته بود.

محمدتقی بهار به انزوای سیاسی خود تا شهریور 1320 ادامه داد و پس از آن دوباره وارد فعالیتهای سیاسی شد. عضویت در حزب دموکرات که به پیشنهاد قوام‌السلطنه تشکیل شد، نمایندگی مجلس پانزدهم و بر عهده گرفتن مسئولیت وزارت فرهنگ در کابینه قوام (1324-1325) از جمله این فعالیتها بود. اما او به دلیل بیماری نتوانست وکالت مجلس در دوره پانزدهم را هم به پایان برد و در سال 1326، برای معالجه راهی سوئیس شد و تا سال 1328 در آنجا ماند.

4. اندیشه بهار

محمدتقی بهار، که در 1 اردیبهشت 1330 چشم از جهان فرو بست، بیشتر اشعار و مطالب خود را در حمایت از ایران و استقلال آن نگاشته است. با همه این احوال بهار رویکردهای مخاطره‌آمیزی را نیز در

عرصه سیاست در پیش گرفت که همه آنها در زمانه حمایت از رضاخان روی داد. به عنوان مثال او با حرکتهایی مانند آنچه توسط میرزا کوچکخان، شیخ محمد خیابانی و کلنل محمدتقیخان پسیان رخ داد مخالفت می‌کرد؛ یا از قرارداد 1919 و ثوق‌الدوله حمایت کرد. 13 اگرچه بعدها نارضایتی خود را نسبت به سرکوبی قیام کسانی چون خیابانی اعلام داشت. بهار اگرچه دغدغه حفظ و وحدت ایران را داشت، اما زمانه نشان داد که انقلابیونی چون میرزا کوچکخان هرگز فکر تجزیه ایران را در سر نداشتند و تنها دغدغه این خاک و وطن را در سر می‌پروراندند، همچنان که کسانی چون رضاخان که به ظاهر فکر وحدت ایران بودند در پازل انگلیسیها و برای مقابله با کمونیسم گام برمی‌داشتند.

تاکید بهار بر حفظ زبان فارسی و مخالفت با جدایی آذربایجان را هم باید حول محور اندیشه یکپارچگی ایران تحلیل کرد. 14 این شاعر و مبارز عصر مشروطه با تقلید صرف از نظامهای اداری و اجتماعی و برنامه‌های تعلیم و تربیت غرب مخالف بود و نتیجه چنین تقلیدی را اگر منطبق بر وضع جغرافیایی و اجتماعی جامعه ایران نباشد، بی‌اثر و حتی باعث بدبختی و شقاوت عنوان می‌کرد. 15



سید حسن مدرس و عده ای از نمایندگان گروه اقلیت دوره پنجم مجلس شورای ملی؛ ردیف جلو از راست نفر دوم ملک‌الشعراى بهار
شماره آرشیو: 8-989ع

منبع

<http://www.iichs.ir/s/4651>

1. دیوان اشعار شادروان محمدتقی بهار (ملک الشعرا)، به اهتمام چهارزاد بهار، ج 1، تهران، طوس، 1380،

- چ 2، صص 27-21.
2. یادداشت‌های سپهدار تنکابنی (محمودلی‌خان خلعتبری)، گردآوری امیر عبدالصمد خلعتبری، به اهتمام محمود تفضلی، نوین، 1362، چ 1، صص 77، 111 و 112.
3. محمدتقی بهار، «صبر و امید»، نوبهار، سال ششم، ش 1، 19 شعبان 1335 (2 جوزا 1296/ 10 ژوئن 1917)، ص 1.
4. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجاریه، ج 1، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، 1357، چ 3، صص 39-40.
5. محمدتقی بهار، «سوم اسفند!»، نوبهار، سال 33، ش 1، 3 اسفند 1321، ص 1.
6. «بزرگداشت بهار در دانشگاه»، یغما، سال 25، ش 2، 1351، صص 97 و 100 (سخنرانی حبیب یغمایی در مراسم بزرگداشت بهار در دانشگاه تهران).
7. برای اطلاع بیشتر درباره این شاخه‌ها رک: یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج 4، تهران، عطار، 1361، چ 2، ص 129؛ روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، ج 2، تهران، اساطیر، 1384، چ 1، صص 984 و 974.
8. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، همان، ج 1، ص ی؛ نمونه‌ای از ملاقاتهای ملک‌الشعرا با سردار سپه در خاطرات سلیمان بهبودی و نیز یحیی دولت‌آبادی منعکس شده است. رک: رضاشاه (خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی)، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، طرح نو، 1372، چ 1، ص 142؛ یحیی دولت‌آبادی، همان، ج 4، ص 355.
9. نوبهار، ش 4، 24 مهر 1301، صص 62 و 63؛ «نامه حائری‌زاده، ملک‌الشعرا و مدرس نمایندگان مجلس درباره استیضاح رئیس‌الوزرا»، اسناد مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند م 0-36-17-144.
10. حسین مکی، تاریخ بیست‌ساله، ج 2، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1359، چ 3، صص 482-483 و 562.
11. همان، ج 4، تهران، ناشر، چ 1، 1361، ص 204.
12. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، همان، ج 1، ص ید؛ «نامه محمدعلی نوبهار مدیر تجارتخانه نوبهار به حسین پیرنیا...»، اسناد مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند م 0-36-47-144.
13. م. بهار، «حقیقت عریان»، ایران، سال 4، ش 120، 7 شوال 1338 (3 سرطان 1299/ 24 ژوئن 1920م)، ص 1؛ کمره‌ای، ج 2، ص 1059.
14. جامی، گذشته چراغ راه آینده است (تاریخ ایران در فاصله دو کودتا 1332 - 1299)، ققنوس، 1367، چ 5، صص 291 و 303.
- م. بهار، «صبر و امید»، نوبهار، سال 6، ش 1، 19 شعبان 1335 ق (20 جوزا 1296 ش/ 10 ژوئن 1917م).